

نقش باورهای ارتباطی و معنوی در خرسندی زناشویی؛ ارائه یک مدل فرضی با واسطه‌گری کیفیت ارتباط و سن

محمدسجاد صیدی^۱، علی محمد نظری^۲، محمد ابراهیمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین پیش‌بینی‌کننده‌های خرسندی زناشویی، از بین باورهای معنوی و ارتباطی، کیفیت ارتباط و متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، سطح تحصیلات، جنسیت) انجام گرفت. روش این تحقیق از نوع توصیفی همبستگی است. برای جمع‌آوری داده‌ها، تعداد ۳۵۸ نفر از متأهلین شهرستان مریوان به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: سیاهه باورهای ارتباطی (RBI)، مقیاس تقدس ازدواج، مقیاس ارتباط در خانواده (FCS)، و ابزار خرسندی زناشویی (MHM). برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون پس‌رو و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده نشان داد که باور به تقدس ازدواج، مخرب بودن مخالفت و عدم تغییر همسر به طور مستقیم و غیرمستقیم؛ کمال‌گرایی جنسی و ذهن‌خوانی به طور غیرمستقیم (با واسطه‌گری کیفیت ارتباط و سن) توانستند خرسندی زناشویی را پیش‌بینی کنند. باور به تقدس و الهی بودن ازدواج از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر خرسندی زناشویی است، و این در حالی است که باورهای نامعقول ارتباطی بشدت اثر مخربی بر آن دارند. کیفیت ارتباط و سن نیز در این میان نقشی واسطه‌ای ایفا می‌کنند.

واژگان کلیدی: خرسندی زناشویی، باورهای ارتباطی، کیفیت ارتباط، باور به تقدس ازدواج

۱. دکتری مشاوره، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) ایمیل: sey110@hotmail.com

۲. دانشیار دانشگاه خوارزمی

۳. کارشناس ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

مقدمه

در دهه‌های اخیر کاربرد رویکردهای شناخت‌درمانی در غنی‌سازی ازدواج و بهبود ارتباط در خانواده به گونه‌ای فزاینده مورد توجه درمانگران و پژوهشگران قرار گرفته است (مولر^۱ و فن در مرو^۲، ۱۹۹۷). این رویکردها بر این باورند که ناخرسندی و اختلال در رابطه، در اصل از باورهای ارتباطی غیرواقعی‌بینانه نشأت می‌گیرد که در نتیجه آن دسته از نیازها و تقاضاهای غیرعقلانی به وجود می‌آید که زن و شوهر نه تنها از یکدیگر بلکه از خود و ازدواجشان دارند (بک^۳، ۱۳۸۲). این باورها به ویژگی‌هایی مربوط می‌شوند که هر فرد تصور می‌کند همسرش، یا رابطه باید داشته باشند (مولر، ریب^۴، نورت^۵، ۲۰۰۱). دریدن^۶ (۱۹۸۷) که متأثر از دیدگاه‌های شناختی رفتاری است، بیان می‌دارد که زوجهای مختل درگیر یک چرخه بدکارکرد مختل می‌شوند. در این چرخه رفتار ناکارآمد فرد به عنوان یک برانگیزاننده باور نامعقول همسر دیگر عمل می‌کند که منجر به ایجاد اختلال در احساسات و رفتار او می‌شود؛ و این خود نیز به عنوان محرکی مضاعف برای تخریب احساسات همسرش بکار گرفته می‌شود.

نظریه‌پردازانی از قبیل الیس^۷ و دریدن (۱۹۹۷)، لازاروس^۸ (۲۰۰۱)، بک (۱۳۸۲) باورهای نامعقول ارتباطی^۹ را از مهم‌ترین عوامل بروز مشکلات زناشویی می‌دانند. در اولین پژوهش‌هایی هم که در این زمینه توسط ایدلسون و اپشتاین^{۱۰} (۱۹۸۲) صورت گرفت رابطه بین باورهای نامعقول ارتباطی با رضایتمندی و تعارضات زناشویی مورد تأیید قرار گرفت. پس از آنها، پژوهشگران دیگری نیز از اثرگذاری این باورها در زمینه‌های مختلف زندگی

1. Moller
2. Van der Merw
3. Beck
4. Rabe
5. North
6. Dryden
7. Ellis
8. Lazarus
9. Irrational relationship belief
10. Eidelson & Epstein

خانوادگی پرده برداشتند. وجود روابط بین باورها با کارکرد خانواده در همسران دارای اختلالات جنسی (پویامنش و نظری، ۲۰۱۲)، کیفیت رابطه (گودوین^۱ و گینس^۲، ۲۰۰۴)، آشفتگی و بی‌ثباتی در روابط (مولر، ریب^۳، نورته^۴، ۲۰۰۱)، دل‌زدگی زناشویی (ادیب راد و ادیب راد، ۱۳۸۴)، احساسات مثبت نسبت به همسر (حیدری و مظاهری و پوراعتماد، ۱۳۸۴)، مؤید اهمیت فراوان باورها و استانداردها در زندگی زوجی و خانوادگی هستند.

علاوه بر باورهای ارتباطی، باورهای معنوی نیز بر چگونگی شکل‌گیری ارتباط و تداوم آن اثر دارند (پارگامنت^۵، ۲۰۰۲). برای برخی، باورهای معنوی، پدیده‌ای جدای از مذهب به حساب می‌آیند و برای برخی دیگر، باورهای معنوی در اتصال با یا بخشی از هویت مذهبی‌شان می‌باشد (هیل^۶ و همکاران، ۲۰۰۰). باور به این که یک نقش یا رابطه، ویژگی‌های معنوی دارد موجب می‌شود که آن نقش یا رابطه، صفاتی متعالی (از قبیل مقدس، بهشتی، یا ...) به خود گرفته و به عنوان جلوه‌ای از ذات باری تعالی دیده شود، و مقدس خوانده شود (ماهانی^۷، و همکاران، ۲۰۰۱؛ موری-اسوانک^۸، ۲۰۰۵). جلوه‌های این تقدس بخشی را می‌توان در مبانی دینی و فرهنگی بسیاری از ملت‌ها مشاهده کرد (پین^۹، ۲۰۱۰). همچنان که در آیات و روایات اسلامی بارها مقدس و الهی بودن ازدواج مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله: بهترین بنا از نظر خداوند (ما بَنَى فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءَ أَحِبِّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ مجلسی، ۱۳۸۵؛ ج ۱۰۳، ص ۲۲۲)، عامل آرامش، محبت و رحمت (و مِنَ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ روم: ۲۱)، موجب نزول رحمت خداوند (يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعٍ: عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ، وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدِينَ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَ

1. Goodwin
2. Gaines
3. Rabe
4. Nortj
5. Pargament
6. Hill
7. Mahoney
8. Swank
9. Payne

عندَ النِّکاح؛ مجلسی، ۱۳۸۵؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)، عامل حفظ دین (مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ؛ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۱۷) همه از مفاهیم مطرح شده اسلام در زمینه ازدواج می‌باشند. در تعالیم اسلام به افراد توصیه می‌شود پیش از اقدام به ازدواج، در گزینش همسر و انجام مراسم در مراحل بعدی، رفتارهای خود را با نماز، دعا و توکل بر خداوند همراه کنند (حر عاملی، ۱۳۶۷). همه این تکالیف و توصیه‌ها ازدواج را با معنویت همراه کرده و به آن تقدس می‌بخشند تا ازدواج زمینه‌ای برای تکامل و رشد انسانی باشد. پژوهش‌های اخیر در مورد تقدس و نقش اعتقاد به خداوند در ازدواج نشان می‌دهند که برای بسیاری از افراد، اعتقاد به خداوند در سه حیطه بر رابطه زوجی‌شان اثر می‌گذارد: فردی، ارتباطی و معنوی. در حیطه فردی افراد به دنبال شادکامی و خوشنودی فردی هستند و ازدواج شاهرهی است که افراد از آن طریق می‌توانند بدان دست یابند (گودمن^۱ و دولهایت^۲، ۲۰۰۶) در حیطه ارتباطی، خداوند به عنوان تقدس‌بخش ازدواج دیده می‌شود، به گونه‌ای که در آن ازدواج به عنوان شیوه‌ای ایده‌آل برای مردان و زنان دیده شده، تا با هم ارتباط برقرار کرده، متعهد و مراقب یکدیگر باشند (گودمن، و دولهایت، ۲۰۰۶). در حیطه معنوی، ازدواج به عنوان شیوه‌ای که افراد می‌توانند از طریق آن به تکامل و تعالی دست یابند در نظر گرفته می‌شود.

باورهای معنوی و مذهبی هم به شکل مستقیم و هم از طریق مؤلفه‌های دیگر کیفیت ارتباط زوج را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تعهد (والکر^۳ جونز^۴، وونج^۵، عزیز^۶، کوپ^۷، ۲۰۰۸)، حل مسئله (پارگامنت و همکاران، ۱۹۸۸؛ کیزر^۸، ۱۹۹۱)، فعالیت‌های جنسی (کیزر، ۱۹۹۱؛ ماهانی^۹، و همکاران، ۲۰۰۳)، استرس و مقابله با آن (پارک^۱، ۲۰۰۵، پلانته^۲،

1. Goodman
2. Dollahite
3. Walker
4. Jones
5. Wuensch
6. Aziz
1. Cope
- 8s Kaiser
- i. Mahoney

سوسیدو^۳، و رایس^۴، ۲۰۰۱)، تاب‌آوری (صیدی و همکاران، ۱۳۹۰) و حتی سازگاری با طلاق (کرومری^۵، ماهانی، و پارگامنت، ۲۰۰۹) از جمله این مؤلفه‌ها محسوب می‌شوند. ارتباط در خانواده به عنوان عمل در میان گذاردن اطلاعات، عقاید، افکار و احساسات شناخته شده اعضای یک خانواده تعریف می‌شود (السون^۶ و برنز^۷، ۲۰۰۴). ستیر (۱۹۸۷؛ ترجمه بیرشک، ۱۳۸۴) مشاهده کرد که حتی صرف نظر از تفاوت‌های فرهنگی، ارتباط در خانواده‌های سالم، مستقیم، شفاف، خالص، و صادقانه است. همچنین وقتی که جریان ارتباط به شکل وسیعی مسدود می‌شود، رابطه به سرعت رو به اضمحلال می‌رود و سرانجام می‌میرد (بولتون^۸؛ ترجمه سهرابی، ۱۳۸۶). بنابراین با توجه به اینکه مطالعات فراوانی از نقش مهم و کلیدی باورها (ارتباطی و معنوی) در کیفیت ارتباطات خانوادگی و نیز وجود رابطه مستقیم بین کیفیت ارتباط با کیفیت زندگی زناشویی خبر داده‌اند (صیدی و همکاران، ۱۳۹۰؛ گودوین^۹ و گینس^{۱۰}، ۲۰۰۴؛ ویلیامز^{۱۱} و لاولر^{۱۲}، ۲۰۰۳؛ روئر-استریر^{۱۳} و سندس^{۱۴}، ۲۰۰۱؛ فینچام^{۱۵}، بیچ^{۱۶}، لمبرت^{۱۷}، استیلمن^{۱۸}، و بریتویت^{۱۹}، ۲۰۰۸) به نظر می‌رسد که کیفیت ارتباط در خانواده به عنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار بتواند بخشی از واریانس رابطه باورها و خرسندی زناشویی را تبیین کند.

1. Park
2. Plante
3. Saucedo
4. Rice
5. Krumrei
6. Olson
7. Barnes
8. Bolton
9. Goodwin
10. Gaines
11. Williams
12. Lawler
13. Roer-Strier
14. Sands
- 1 . Fincham
16. Beach
17. Lambert
18. Stillman
12. Braithwaite

از طرفی پژوهشگران متغیرهای جمعیت شناختی سن، جنس، و سطح تحصیلات را در اثربخشی باورها دخیل می‌دانند. برای مثال برخی معتقدند بالا رفتن سن، به معنای کسب تجربه بیشتر زوج‌ها در زندگی مشترک است که این امر به تعدیل برخی باورهای ناکارآمد منجر خواهد شد (نظری، ۱۳۸۸). همچنین جنسیت و سطح تحصیلات می‌تواند عامل مهمی در تفاوت در دیدگاه‌های افراد به ازدواج و رابطه زوجی باشد (پاروت و پاروت، ۲۰۰۵). به عنوان مثال ازخوش و اکبری (۱۳۸۶) متغیرهای جنسیت، سن، مدت ازدواج و سطح تحصیلات را مورد تحلیل قرار دادند که عدم ایفای نقش مؤثر جنسیت، سن و مدت ازدواج در نتایج آن‌ها بدست آمد. این در حالی است که پژوهش‌های دیگر خلاف این مدعا را نشان می‌دهند (شارپ و گانونگ، ۲۰۰۰). بنابراین پژوهش حاضر به دنبال تعیین پیش‌بینی‌کننده‌های خرسندی زناشویی، از بین باورهای معنوی و ارتباطی، کیفیت ارتباط و متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، سطح تحصیلات، جنسیت) می‌باشد.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی همبستگی است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۳۵۸ نفر از افراد متأهل شهرستان مریوان می‌باشد که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای کاهش هر چه بیشتر واریانس‌های خطا سعی شد تا نمونه‌گیری، در گستره وسیعی از شهرستان انجام گیرد. نحوه انتخاب افراد به این صورت بود که ابتدا شهرستان مریوان به ۴ نقطه شهری مجزا تقسیم شد، سپس در هر نقطه شهری تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ زوج) از مراکز اداری، بازار سطح شهر و منازل، به روش نمونه‌گیری در دسترس گزینش شدند، لازم به ذکر است که پرسشنامه‌ها توسط هردو همسر تکمیل و پس از پاسخگویی در مدت زمان معین عودت داده می‌شدند. از میان پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده تعداد ۴۲ پرسشنامه به دلایلی موجه از جمله ناقص پرشدن و نداشتن اطلاعات دموگرافیک از تحلیل آماری کنار گذاشته شدند.

در این پژوهش برای سنجش باورهای ارتباطی از سیاهه باورهای ارتباطی^۱ (RBI) و باورهای معنوی (معطوف به ازدواج) از مقیاس تقدس ازدواج^۲ استفاده شد. میزان کیفیت ارتباط در خانواده از نمره‌های حاصل از مقیاس ارتباط در خانواده^۳ (FCS) و میزان خرسندی زناشویی از ابزار شادکامی زناشویی^۴ (MHM) بدست آمدند.

سیاهه باورهای ارتباطی: این سیاهه ۴۰ سؤالی که توسط اپشتاین و ایدلسون^۵ (۱۹۸۲) ساخته شد، باورهای غیرمنطقی مربوط به رابطه زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. این سیاهه دارای ۵ خرده‌مقیاس است که عبارتند از: باور به مخرب بودن مخالفت؛ باور به عدم تغییرپذیری همسر؛ توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی؛ باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی. ایدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) دریافتند که نمره‌های RBI با باورهای عمومی که توسط تست باورهای غیرمنطقی جونز (IBI) اندازه‌گیری شده بود، همبستگی مثبت داشت و هم‌چنین خرده‌مقیاس‌های RBI ارتباط منفی با سازگاری زناشویی داشت که با مقیاس سازگاری MAS لاک و والاس^۶ اندازه‌گیری شده بود. نسخه فارسی این مقیاس توسط مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۰) با روش ترجمه و ترجمه مجدد مورد استفاده قرار گرفت. در مطالعه صاحبی و همکاران (۱۳۸۲)، به نقل از شایسته و صاحبی و علی‌پور، (۱۳۸۵) ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس هاس این سیاهه ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ و پایایی آن با روش آزمون، آزمون مجدد ۰/۸۱. بدست آمد. ضریب آلفای کرونباخ نمره کلی در این پژوهش نیز ۰/۸۴ محاسبه گردید.

مقیاس تقدس ازدواج: مقیاس تقدس ازدواج یک مقیاس ۱۴ گزاره‌ای است که توسط ماهانی و همکاران (۱۹۹۹) ساخته شد. این مقیاس دارای گزاره‌هایی مثل "به نظرم ازدواج ما یک پیمان مقدس است" می‌باشد. پاسخ‌دهندگان برای هر گزاره گزینه‌های انتخابی از به شدت مخالف (۱) تا به شدت موافق (۷) پیش‌روی دارند. پایایی با روش آلفای کرونباخ

1. Relationship Beliefs Inventory
2. Sanctification of marriage scale
3. Family communication Scale
4. Marital Happiness Measure
5. Epstien, N & Eidelson, R. J.
6. Locke & Wallace

برای این مقیاس در مطالعه دی‌مریس و ماهانی و پارگامنت (۲۰۱۰)، ۰/۹۸ و در مطالعه صیدی و همکاران (۱۳۹۰) ۰/۹۶ گزارش شد. در بررسی ماهانی و همکاران (۱۹۹۹) بر روی ۹۷ زوج که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، آلفای کرونباخ ۰/۸۸. به دست آمد.

مقیاس ارتباط در خانواده: مقیاس ارتباط در خانواده، بر مبنای نسخه ۲۰ گزاره‌ای مقیاس ارتباط والد-نوجوان^۲ (PACS)، (برنز و السون، ۱۹۸۵) ساخته شد (السون و برنز، ۲۰۰۴). مقیاس ارتباط در خانواده از ۱۰ آیتم تشکیل شده است که ابعاد مختلف کیفیت ارتباط در خانواده را اندازه می‌گیرند. این ۱۰ گزاره با یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی اندازه گرفته می‌شوند که ۱ با عبارت کاملاً مخالفم و ۵ با عبارت کاملاً موافقم همراه است. مقیاس ارتباط خانواده، جنبه‌های مثبت ارتباط خانواده را با تأکید بر تبادل آزادانه اطلاعات عینی و هیجانی اندازه می‌گیرد. این مقیاس میزانی از احساس عدم اجبار و رضایت که اعضای خانواده از ارتباط با خانواده‌شان دارند را می‌سنجد. نمره بالا در این مقیاس نشان‌دهنده کارکرد ارتباطی بالا در خانواده است. السون و همکاران (۲۰۰۴) سطح انسجام درونی آزمون فوق را برای یک نمونه ملی قابل قبول (۰/۸۸) و پایایی بازآزمایی آن را ۰/۸۶. ارزیابی کردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۸ به دست آمد.

خرسندی زناشویی: این ابزار از هفت گزاره درباره ازدواج افراد تشکیل شده است که در یک طیف لیکرتی ۷ درجه‌ای (به شدت موافق تا به شدت مخالف) مقیاس‌بندی شده است. این ابزار از گزاره‌هایی مثل "اگر بار دیگر زندگی‌ام تکرار شود، باز با همین شخص ازدواج می‌کنم" تشکیل شده است. نمره بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده این است که افراد خرسندی و شادکامی بیشتری را در ازدواجشان تجربه می‌کنند. در پژوهش (لورنز^۳، ۲۰۰۸) پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و در پژوهش حاضر نیز ضریب برای آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بدست آمد.

-
1. DeMaris
 2. Parent Adolescent Communication Scale
 3. Lorentz

یافته‌ها

برخی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه حاضر به شرح ذیل می‌باشد: میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۰ سال و کمیته و بیشینه آن ۱۵ و ۵۶؛ تعداد زن و مرد مساوی و هر کدام ۱۷۸ نفر، میانگین مدت ازدواج، ۷ سال و سطح تحصیلات برای ۱۵۴ نفر (۰/۴۳) زیر دیپلم، ۱۰۱ نفر (۰/۲۸) دیپلم، ۹۶ نفر (۰/۲۷) فوق دیپلم و لیسانس، و ۷ نفر (۰/۰۲) کارشناسی ارشد و دکتری بود.

به منظور تعیین پیش‌بینی‌کننده‌های مؤثر در خرسندی زناشویی از رگرسیون پسر و استفاده شد. در مجموع ده متغیر وارد تحلیل شدند که رگرسیون پس از پنج مرحله، تعداد پنج متغیر که معیارهای حضور در معادله را کسب نکردند حذف نمود. این ده متغیر شامل متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، سطح تحصیلات)، باور معنوی (به تقدس ازدواج)، و باورهای ارتباطی (به عدم تغییرپذیری همسر؛ توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی؛ باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی) بودند، که نتایج آن در جدول (۲) آمده است. اعتبار مدل رگرسیون مذکور با روش گام به گام مورد تأیید قرار گرفت $F(5,351) = 80/65, p < 0/01$. همچنین این مدل توانست ۵۳ درصد از واریانس خرسندی زناشویی را تبیین کند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

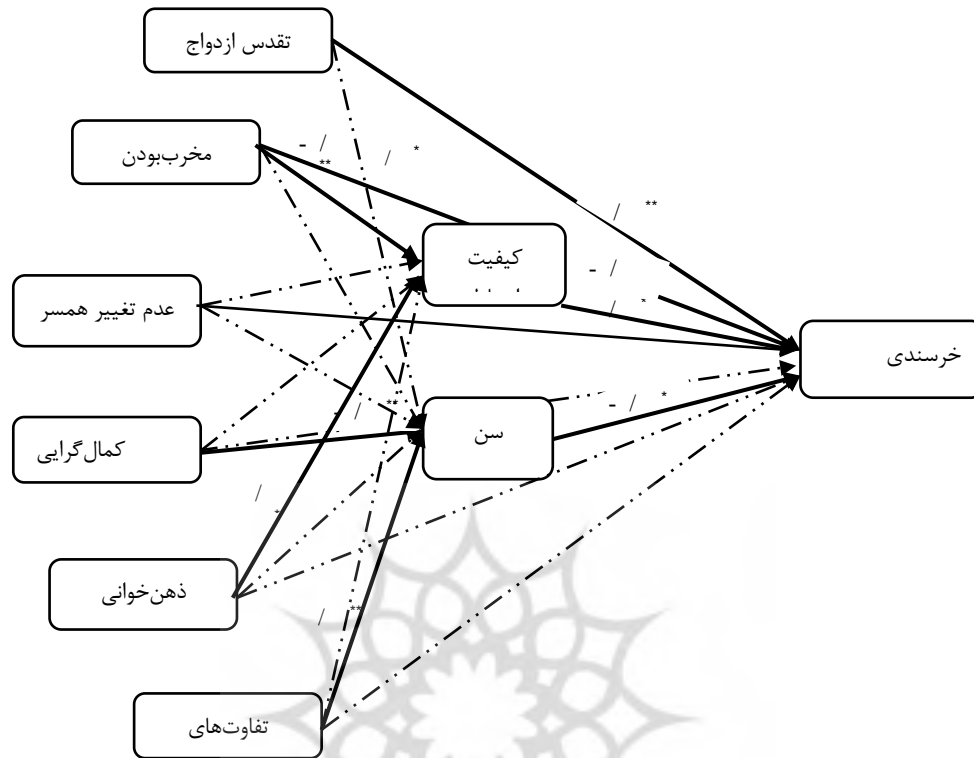
شاخص‌ها	مخرب بودن مخالفت	عدم تغییر همسر	کمال‌گرایی جنسی	تفاوت‌های جنسیتی	کیفیت ارتباط زناشویی	خرسندی
میانگین	۱۸/۷	۱۴/۷	۲۰/۸	۲۲/۲	۴۰/۷	۳۸/۵
انحراف استاندارد	۵/۸	۴/۶	۴/۲	۴/۵	۶/۶	۷/۸۸

جدول ۲. رگرسیون پس‌رو باورهای معنوی و ارتباطی بر خرسندی زناشویی

ملاک	پیش‌بین	B	شاخص‌ها		
			خطا معیار B	Beta	T
خرسندی زناشویی	تقدس ازدواج	۰/۲۳	۰/۰۳	۰/۳۳	۰/۰۰۱
	مخرب بودن مخالفت	-۰/۲۶	۰/۰۵	-۰/۲۰	۰/۰۰۱
	عدم تغییرپذیری همسر	-۰/۱۴	۰/۰۷	-۰/۰۸	۰/۰۰۵
	کیفیت ارتباط	۰/۴۳	۰/۰۵	۰/۳۵	۰/۰۰۱
	سن	-۰/۱۲	۰/۰۴	-۰/۱۱	۰/۰۰۴

نتایج تحلیل رگرسیون که در جدول آمده است نشان می‌دهند که از بین باورهای معنوی و ارتباطی و متغیرهای جمعیت‌شناختی، باور به تقدس ازدواج ($p < ۰/۰۱$ ، $\beta = ۰/۳۳$)، مخرب بودن مخالفت ($p < ۰/۰۱$ ، $\beta = -۰/۲۶$)، عدم تغییرپذیری همسر ($p < ۰/۰۵$ ، $\beta = -۰/۱۴$)، کیفیت ارتباط ($p < ۰/۰۱$ ، $\beta = ۰/۴۳$) و سن ($p < ۰/۰۱$ ، $\beta = -۰/۱۲$) توانستند خرسندی زناشویی را پیش‌بینی کنند. لازم به ذکر است که علامت منفی باورهای نامعقول ارتباطی، نشان‌دهنده رابطه معکوس این متغیرها با متغیر ملاک می‌باشند. به این معنا که پایین بودن این نمرات، خرسندی بالاتر زناشویی را موجب می‌شود.

با توجه به پیشینه پژوهشی و نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد متغیرهای کیفیت ارتباط و سن می‌توانند به عنوان متغیر واسطه‌ای یا تعدیل‌کننده بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک قرار گیرند. به منظور آزمون نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط و سن و ارائه مدلی منسجم‌تر از نرم‌افزار AMOS نسخه ۱۸ استفاده شد که نتایج آن در ادامه خواهد آمد.



نمودار ۱. مدل فرضی برای پیش‌بینی خرسندی زناشویی

به منظور وضوح بیشتر در نمای تصویری مدل که در بالا آمده است، مسیرهایی که ضریب آن‌ها معنادار نشد را به صورت نقطه چین نشان داده شده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیر کیفیت ارتباط توانسته است نقش واسطه‌ای را در رابطه بین ذهن خوانی (Indirect Effect=۰/۰۵, $p < ۰/۰۷$) و باور به تقدس ازدواج ($p < ۰/۰۱$), مخرب بودن مخالفت (Indirect Effect=۰/۱۷, $p < ۰/۰۱$), همچنین متغیر سن توانسته است نقش واسطه‌ای را در مسیر کمال‌گرایی جنسی (Indirect Effect=۰/۰۳, $p < ۰/۰۵$) و تفاوت‌های جنسیتی (Indirect Effect=۰/۰۵, $p < ۰/۰۵$) به خرسندی زناشویی ایفا کند. همچنین مدل مذکور توانست ۰/۵۴ واریانس خرسندی زناشویی را تبیین کند که حاکی از توان

بالای متغیرها، در پیش بینی متغیر وابسته است. حال با حذف مسیرهای غیر مؤثر برازش مدل را بررسی می کنیم.

جدول ۳. شاخصه‌های برازش مدل

RMSEA	AGFI	CFI	IFI	CMIN/df
۰/۰۳	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۹	۱/۴۱

شاخصه‌های برازش مدل که در جدول ۳ آمده‌اند، حاکی از مطلوبیت بسیار بالای مدل فرضی می باشند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که کیفیت زندگی زناشویی تا حد بسیار بالایی وابسته به باورها و استانداردهای ارتباطی همسران می باشد. این باورها می توانند اثربخشی مثبت (باورهای معنوی به ازدواج) یا منفی (باورهای نامعقول ارتباطی) داشته باشند. باورهایی که فرد از همان دوران کودکی با مشاهده و تجربه تعاملات خانوادگی، و نیز پیام‌هایی که والدین، رسانه‌ها، و دیگر مراجع قدرت درونی می کند (پین، ۲۰۱۰) شکل می گیرند. این باورها با هر تجربه تأیید کننده‌ای، مستحکم تر شده و تغییر آن‌ها بسیار سخت می نماید.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که باور به مقدس بودن ازدواج می تواند به خوبی پیش‌بینی کننده خرسندی زناشویی باشد. این پژوهش به نوعی همسو با نتایج پژوهش‌های فینچام، بیچ، لمبرت، استیلمن، و بریتویت (۲۰۰۸)، لمبرت و دولهایت (۲۰۰۶)، ویلیامز و لاولر (۲۰۰۳) می باشد. این نتیجه را این گونه می توان تبیین کرد که داشتن باور معنوی به ازدواج، خودبه‌خود برخی ویژگی‌های مقدس و الهی را به آن منتسب می کند. باور به مقدس بودن پیوند زناشویی، موجب می شود که همسران از این رابطه مراقبت بیشتری به عمل آورده و تا حد امکان از ورود شناخت‌ها و رفتارهای مخرب زندگی زناشویی جلوگیری کنند. از طرف دیگر باورهای معنوی به ازدواج منجر به شکل‌گیری الگوها (تم‌های) شناختی شده که می توانند آرامش و شادابی زندگی زناشویی را حفظ کنند.

الگوهای مثل اعتقاد به خداوند به عنوان سومین ریسمان نگهدارنده زندگی زناشویی؛ ازدواج نیز مثل یک پیمان دینی است که باید بدان متعهد بود (لمبرت و دولهایت، ۲۰۰۸)، از جمله این الگوهای شناختی هستند.

از طرفی از بین باورهای (نامعقول) ارتباطی، باور به مخرب بودن مخالفت، و عدم تغییرپذیری همسر پیش‌بینی‌کننده‌های معتبری برای خرسندی زناشویی بودند. هرچه افراد نمره بالاتری در این متغیرها کسب کنند، خرسندی زناشویی کمتری را تجربه خواهند کرد. شایسته و صاحبی و علی‌پور (۱۳۸۵)، حیدری و مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۴)، و مولر، ریب، نورته، (۲۰۰۱)، ادیب راد و ادیب راد (۱۳۸۴)، منصور و عبدالمحمدی (۱۳۸۷) نتایجی همسو را گزارش کرده‌اند. اینکه افراد باور داشته باشند همسرشان قابلیت تغییر رفتار خود را ندارند و وضع نیز به همین منوال پیش خواهد رفت، موجب می‌شود که بذر ناامیدی و یأس در رابطه آن‌ها پاشیده شود و به تدریج زوج بیشتر از یکدیگر فاصله بگیرند. بروز فاصله روانشناختی بین همسران خود عاملی است برای کاهش درک متقابل و دلزدگی آن‌ها از یکدیگر (ادیب راد و ادیب راد، ۱۳۸۴). در چنین فضایی است که خرسندی زناشویی جای خود را به تعارضات و کشمکش‌های نافرجام خواهد داد. از طرفی فردی که معتقد است که قابلیت تغییر در همسرش وجود ندارد، هیچ‌گاه به دنبال ایجاد تغییرات مطلوب نخواهد بود و گفتگو و تفاهم در مورد مسائل اختلافی را که عامل اصلی ایجاد ارتباط زوجی باکیفیت است را از دست خواهد داد.

بسیاری از همسران به اشتباه تصور می‌کنند که ابراز نظر مخالف با همسرشان موجب سردی رابطه بین آنها خواهد شد. اما پژوهش‌ها در مخالفت با این نظر ثابت کرده‌اند، ابراز وجود که یکی از مهمترین مهارت‌های زندگی است، سازگاری بین همسران را افزایش خواهد (مهرابی‌زاده هنرمند و حسین‌پور و مهدی‌زاده، ۱۳۸۹). از طرفی عدم ابراز مخالفت، خشمی نهفته را در وی ایجاد خواهد کرد (سوگلی تپه و همکاران، ۱۳۸۷) که منجر به بروز اختلال در رابطه زوجی آن‌ها خواهد شد. قطعاً خشم و عصبانیت کنترل نشده، امکان گفتگو و حل مسئله را از همسران خواهد گرفت و تعارض‌های پیچیده‌ای را در روابط آن‌ها ایجاد خواهد کرد.

عدم تأیید نقش سه باور دیگر کمال‌گرایی جنسی، توقع ذهن‌خوانی، باور به تفاوت جنسیتی را می‌توان در پژوهش ادیب‌راد و همکاران (۱۳۸۴) و واقعی، مظلوم و احمدی (۱۳۸۷) نیز مشاهده نمود. حتی در پژوهش حیدری، مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۴) کمال‌گرایی جنسی رابطه مثبتی را با احساسات مثبت نسبت به همسر نشان داد. جمع‌بندی نتایج فوق از این نکته حکایت می‌کنند که در جامعه ما، این سه باور نامعقول نمی‌توانند مشکل جدی را در کیفیت زندگی زناشویی ایجاد کنند و مشاوران ازدواج بیشتر توجه خود را به دو باور نامعقول دیگر معطوف کنند.

نتایج تحلیل نشان دادند که از بین متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، سن، و سطح تحصیلات) تنها سن توانست پیش‌بینی‌کننده خرسندی زناشویی باشد. این در حالی است که در پژوهش طاهری (۱۳۹۰) هیچ کدام از متغیرهای جمعیت شناختی؛ در مطالعه حیدری فقط جنسیت و در مطالعه منصور و عبدالمحمدی (۱۳۸۷)، سطح تحصیلات واریانس لازم را در متغیر وابسته (رضایتمندی^۱ احساسات مثبت نسبت به همسر، سازگاری زناشویی) ایجاد کرده بود. البته ضریب منفی متغیر سن نشان می‌دهد که با افزایش سن میزان خرسندی زناشویی افراد کاهش می‌یابد. این نتیجه شاید به این دلیل بدست آمده که در سنین پایین‌تر امید و انگیزه بیشتری برای اصلاح کیفیت زندگی زناشویی وجود دارد و افراد به آینده زندگی مشترک خود بیشتر امیدوار هستند.

در تحلیل مدل رگرسیون انجام شده در این پژوهش، متغیر کیفیت ارتباط بهترین پیش‌بینی‌کننده برای خرسندی زناشویی است. در پژوهش‌های غلامزاده و عطاری و شفیعی‌آبادی (۱۳۸۸)؛ عطاری و حسین‌پور و راهنورد (۱۳۸۸)؛ خسروی و همکاران (۱۳۹۰) نیز ارتباط به عنوان عامل کلیدی در همراهی عاطفی، کاهش دل‌زدگی، رضایت از زندگی زوجین به حساب می‌آید. ستیر (۱۳۸۴) معتقد است که کیفیت و وضوح ارتباط در خانواده که بهزیستی اعضای خانواده و کارکرد مناسب آن را تضمین می‌کند و تحقیقات گاتمن^۱ (۲۰۰۰) و السون (۲۰۰۰) نیز تأییدی بر این مدعا هستند. قطعاً آن زوج‌هایی که بتوانند

1. Gottman

خواسته‌ها، انتظارات و شرایط خویش را در فضایی امن و به دور از پارازیت‌های ارتباطی به یکدیگر منتقل کنند، رضایتمندی و خرسندی از زندگی مشترک ظهور پیدا خواهد کرد. در آزمون مدل فرضی، متغیرهای سن و کیفیت ارتباط توانستند بخشی از واریانس رابطه باورهای ارتباطی و معنوی به ازدواج را به خود اختصاص دهند. تأیید مسیر غیرمستقیم باور به تقدس ازدواج - کیفیت ارتباط - خرسندی زناشویی نشان می‌دهد که مقدس دانستن ازدواج و زندگی زناشویی، از طریق بالا بردن کیفیت ارتباط و درک و تفاهم طرفین موجب خرسندی زن و شوهر از ازدواج‌شان خواهد شد وقتی که زن و شوهر ازدواج خود را به عنوان موهبتی از جانب خداوند بدانند و ذات باری تعالی را در آن حاضر و ناظر ببینند، قطعاً ارتباط با یکدیگر را آلوده به مخرب‌های ارتباطی از قبیل تحقیر، سرزنش، بدگویی، فحش و ناسزا نخواهند کرد و در حفظ و غنای آن تمام تلاش خود را بکار خواهند بست.

از بین باورهای نامعقول ارتباطی، باور به مخرب بودن مخالفت و ذهن خوانی توانستند از طریق کیفیت ارتباط بخشی از واریانس خرسندی زناشویی را تبیین کنند. به این معنا که کسب نمره پایین در این متغیرها، کیفیت ارتباط را ارتقا، و از این طریق خرسندی بیشتری را موجب خواهد شد. متغیرهای کمال‌گرایی جنسی و تفاوت‌های جنسیتی نیز تنها از طریق کیفیت ارتباط توانستند بر خرسندی زناشویی اثر داشته باشند و در رابطه بین متغیرهای مذکور متغیر سن نقش میانجی را ایفا می‌کند. یعنی انتظار از همسر در ایجاد رابطه کامل جنسی در هر شرایطی و بدون در نظر گرفتن وضعیت وی، به با افزایش سن کاهش یافته که از این طریق، خرسندی بیشتری از ازدواج را ایجاد خواهد کرد.

نتایج این پژوهش نشان داد که مشاوران خانواده می‌توانند با تأیید و تقویت بعد معنوی ازدواج و نیز به چالش کشیدن باورهای نامعقول در مورد ارتباط زوجی می‌توانند به زوجها کمک کنند تا ازدواجی شاد را تجربه کنند. از آنجا که به چالش کشیدن باورهای نامعقول ارتباطی در این پژوهش مهم شمرده شده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی میزان اثربخشی چالش‌شناختی با این نوع باورهای زوج بر کیفیت و خرسندی از زندگی

زناشویی پردازند. از طرفی باید شیوه‌ها و پروتکل‌هایی برای تقویت باورهای معنوی در مورد ازدواج تدوین گردد.

منابع

- ادیب راد، نسترن؛ ادیب راد، مجتبی. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دل‌زدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*. شماره ۱۳، ص ۹۹-۱۱۰.
- ازخوش، منوچهر؛ عسگری، علی. (۱۳۸۶). اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی: استانداردسازی پرسشنامه باورهای ارتباطی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*. سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۱۵۳-۱۳۷.
- بک، آرون. تی. (۱۳۸۲). *عشق هرگز کافی نیست*. ترجمه مهرداد فیروز بخت. تهران. نشر پیکان. چاپ چهاردهم.
- بولتون. ری. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی روابط انسانی*. ترجمه حمید رضا. سهرابی. تهران: انتشارات رشد.
- حر عاملی، م. ح. (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه*. قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حیدری، محمود؛ مظاهری، محمد. علی؛ پوراعتماد، حمیدرضا. (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. *خانواده پژوهی*. سال اول، شماره ۲، ص ۱۳۰-۱۲۱.
- خسروی، صدراله.؛ نشاط دوست، حمید. طاهر؛ مولوی، حسین؛ کلاتری، مهرداد. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش الگوی ارتباطی خانواده کثرت‌گرا بر رضایت از زندگی زوجین. *مجله پزشکی هرمزگان*. سال یازدهم، شماره اول، ص ۴۸-۴۰.
- ستیر، ویرجینیا. (۱۹۸۷). *آدم‌سازی*. ترجمه بهروز بیرشک (۱۳۸۴). تهران؛ انتشارات رشد، چاپ ششم.

- شایسته، گلناز. ؛ صاحبی، علی. ؛ علی پور، احمد. (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیر منطقی زوجین. *خانواده پژوهی*. سال دوم، شماره ۷. ص ۲۳۸ ° ۲۲۳.
- طاهری. ناهید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه باورهای ارتباطی زوجین با میزان رضایتمندی آنها در زندگی. *مشهد. دانشگاه فردوسی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. پایان نامه چاپ نشده.*
- عطاری، یوسفعلی. ؛ حسین پور، محمدحسین. ؛ راهنورد، سیما. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به شیوه برنامه ارتباطی زوجین بر کاهش دل‌زدگی زناشویی در زوجین. *اندیشه و رفتار دوره چهارم*، شماره ۱۴. ص ۳۴ ° ۲۵.
- غلامزاده، مریم. ؛ عطاری، یوسفعلی. ؛ شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر همراهی عاطفی و ارتباط زوجین. *اندیشه و رفتار. دوره سوم*، شماره ۱۱. ص ۴۴ ° ۳۵.
- مجلسی، محمد. باقر. (۱۳۸۵). *بحار الانوار*. قم، دار احیاء التراث العربی.
- منصور، لادن. ؛ عبدالمحمدی، کبری. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی کارکنان زن متأهل دانشگاه شهید بهشتی. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*. دوره دوم، شماره ۲. ص ۱۲۶ ° ۱۱۱.
- مهرابی زاده هنرمند، مهناز. ؛ حسین پور، محمد. ؛ مهدی زاده، لیلا. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش سازگاری زناشویی زنان متأهل ۴۰ ° ۲۰ سال. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*. دوره دوم، شماره ۱. ص ۱۳۰ ° ۱۲۱.
- نظری، علی. محمد. (۱۳۸۸). *مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی*. تهران: علم.
- واقعی، سعید؛ مظلوم، سید رضا؛ احمدی، سید. حمید. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط میان خشنودی زناشویی با باورهای ارتباطی زناشویی در پرستاران متأهل شاغل در بیمارستان‌های دانشگاهی شهر مشهد. *علمی- پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد*، شماره ۱۹. ص ۱۳۸ ° ۱۲۵.

- Barnes, H. L. & Olson, D. H. (1985). Parent-Adolescent Communication and the Circumplex Model. *Child Development*, Vol. 56, No. 2. 438-447.
- DeMaris, A. & Mahoney, A. & Pargament, K. I. (2010). Sanctification of Marriage and General Religiousness as Buffers of the Effects of Marital Inequity. *Journal of Family Issues*, 31: 1255-1278.
- Ellis, A. & Dryden, W. (1997). *The practice of rational emotive behavior therapy*. New York. Springer Publishing Company.
- Goodman, D., & Baas, R. H. (1997). Commitment in marriage: Implications for working with couples. *Annual Review of Psychology*, 50, 47-77.
- Fincham, F. D., Beach, S. R. H., Lambert, N. M., Stillman, T., & Braithwaite, S. R. (2008). Spiritual behaviors and relationship satisfaction: A critical analysis of the role of prayer. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 27, 362-388.
- Goodman, M. A., & Dollahite, D. C. (2006). How Religious Couples Perceive the Influence of God in their Marriage. *Review of Religious Research*, 48(2), 141-155.
- Goodwin, R. & Gaines, S. O. (2004). Relationships beliefs and relationship quality across cultures: Country as a moderator of dysfunctional beliefs and relationship quality in three former Communist societies. *Personal Relationships*, 11; 267-279.
- Gottman, J.M. and Notarius, C.I., (2000). Decade review: Observing marital interaction, *Journal of Marriage & the Family*, 62(4), 927-947;
- Hill, P.C., Pargament, K.I., Hood Jr., R.W., McCollough, M.E., Swyers, J.P., Larson, D.B., & Zinnbauer, B.J. (2000). Conceptualizing religion and spirituality: Points of commonality, points of departure. *Journal for the Theory of Social Behavior*, 30(1), 51-77.
- Kaiser, D. L. (1991). Religious Problem-Solving Styles and Guilt. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 30(1), 94-98.
- Krumrei, E. J., Mahoney, A., & Pargament, K. I. (2009). Divorce and the Divine: The Role of Spirituality in Adjustment to Divorce. *Journal of Marriage & Family*, 71(2), 373-383.
- Lazarus, A.A. (2001). *Marital Myths: a fresh look at two dozen mistaken beliefs*. California. Impact publishers.
- Lorentz, D. C. (2008). Gender Role Attitudes as a Predictor of Relational Maintenance: A Relationship to Quality of Married Life. thesis submitted to the Department of Communication and Journalism. University of Wyoming.
- Mahoney, A., Pargament, K.I., Murray-Swank, A., & Murray-Swank, N. (2003). Religion and the sanctification of family relationships. *Review of Religious Research*, 44 (3), 220-236.

- Mahoney, A., Pargament, K.I., Murray-Swank, A., & Murray-Swank, N. (2003). Religion and the sanctification of family relationships. *Review of Religious Research*, 44 (3) , 220-236.
- Moller, A. T & Rabe. H. M. & Nortj, C. (2001). Dysfunctional beliefs and marital conflict in distressed and nondistressed married individuals. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*. Vol. 19, No. 4, 259- 270.
- Moller, A. T & van der Merw, J. D. (1997). IRRATIONAL BELIEFS, INTERPERSONAL PERCEPTION AND MARITAL ADJUSTMENT. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*. Volume 15, Number 4, 269 ° 279.
- Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*, 22(2), 144 ° 167.
- Olson, D. H., & Barnes, H. (2004). Family communication. Minneapolis, Life innovations, Inc.
- Pargament, K. I. (2002). The Bitter and the Sweet: An Evaluation of the Costs and Benefits of Religiousness. *Psychological Inquiry*, 13(3) , 168-181.
- Pargament, K. I., Kennell, J., Hathaway, W., Grevengoed, N., Newman, J., & Jones, W. (1988). Religion and the Problem-Solving Process: Three Styles of Coping.
- Parrott T L. & Parrott T L. (2005). Saving your marriage before it starts. Vandurzen.
- Payne, P. B. (2010). Spiritual beliefs in Family Experiences and Couples Cocreations of spiritual beliefs During The Early Years of Marriage. Doctoral dissertation, Northon School of Family And Consumer Sciences Division of Family studies and Human Development.
- Plante, T. G., Saucedo, B., & Rice, C. (2001). The Association Between Strength of Religious Faith and Coping with Daily Stress. *Pastoral Psychology*, 49(4), 291- 300.
- Roer-Strier, D. & Sands, G. S. (2001). The Impact of Religious Intensification on Family Relations: A South African Example. *Journal of Marriage and Family*, Vol. 63, No., pp. 868-880.
- Sharp, E. A. & Ganong, L. H. (2000). Raising Awareness about Marital Expectations: Are Unrealistic Beliefs Changed by Integrative Teaching?. *Family Relations*, Vol. 49, No. 1 (Jan., 2000) , pp. 71-76.
- Walker, A. G., Jones, M. N., Wuensch, K. L., Aziz, S., & Cope, J. G. (2008). Sanctifying Work: Effects on Satisfaction, Commitment, and Intent to Leave. *International Journal for the Psychology of Religion*, 18(2), 132-145.

Williams, L. M. & Lawler, M. G. (2003). Marital Satisfaction and Religious Heterogamy : A Comparison of Interchurch and Same-Church Individuals. *Journal of Family Issues*, 24: 1070- 1092.

